

تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

رضا رحیمی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

کیومرث یزدان‌پناه* - عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

بهادر زارعی - عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

چکیده

منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا به دلیل نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره با تحولات فراوانی مواجه بوده است. در ماه‌های اخیر نیز برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس به اقداماتی برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی در این منطقه پرداخته‌اند. با توجه به افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، حمایت همه‌جانبه آمریکا از عربستان در تقابل با ایران و افزایش تلاش‌ها برای شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی علیه ایران، در پژوهش حاضر بر مبنای نظریه نواقح‌گرایی، به شناسایی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری این ائتلاف نظامی و آثار احتمالی آن بر امنیت ملی ایران پرداخته شد. برای این منظور از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نظر کارشناسان استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نیز به کمک نرم‌افزار میک‌مک و مدل دلفی صورت گرفت. براساس نتایج مطالعه پیش‌رو، هریک از مؤلفه‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی به‌میزانی مشخص در شکل‌دهی ائتلاف نظامی عربی تأثیرگذارند. ایالات متحده آمریکا نیز براساس نظریه هم‌مونی اثری مستقیم در این امر دارد. همچنین در صورت تداوم شرایط موجود و شکل‌گیری ائتلاف یادشده، امنیت ایران در ابعاد گوناگون، به‌ویژه ابعاد اقتصادی و نظامی آسیب خواهد دید و میزان نفوذ ژئوپلیتیکی آن در منطقه کاهش چشمگیری خواهد یافت. براین‌اساس ایران باید ضمن تلاش برای بهبود مناسبات با کشورهای حاشیه خلیج فارس، درباره خطرهای این ائتلاف با دیگر بازیگران منطقه رایزنی کند.

واژه‌های کلیدی: ائتلاف نظامی عربی، امنیت، ایران، تکنیک اثرات متقاطع، جنوب غرب آسیا، ژئوپلیتیک.

مقدمه

در دهه‌های گذشته، کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا بارها تلاش کردند تا در قالب ائتلاف‌های فراگیر، زمینه همکاری و تعامل منطقه‌ای را فراهم کنند و با تهدیدهای مشترک به مقابله بپردازند؛ ائتلاف‌هایی مانند ناتوی اسلامی که با هدف مقابله با نفوذ اندیشه‌های مارکسیسم در منطقه طراحی شد، یا شورای همکاری خلیج فارس که به منظور تأمین دسته‌جمعی امنیت خلیج فارس شکل گرفت، اما هیچ‌یک از آن‌ها نتوانست به نتایج مؤثری دست یابد. در سال‌های اخیر، شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و شورش‌ها در کشورهایی از قبیل عراق و سوریه، آغاز حملات جنگنده‌های سعودی به یمن و مداخله‌های نظامی این کشور در بحرین، آشفتگی سیاسی در شمال عراق، افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، حضور نظامی و مستشاری ایران در عراق و سوریه و... تنها نمونه‌های جزئی از فضای ملتهب جنوب غرب آسیا را نشان می‌دهند؛ از این‌رو برخی کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان سعودی، با هدف مقابله با نفوذ ژئوپلیتیکی ایران و افزایش قدرت نظامی و اقتصادی خود در منطقه، خواهان این هستند تا با شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی، شرایط منطقه را به سود خود و به ضرر ایران تغییر دهند؛ شرایط ویژه‌ای که در آن نمی‌توان نقش قدرت‌های جهانی مانند آمریکا را در هدایت این ایده نادیده گرفت.

در ماه می سال ۲۰۱۷ میلادی و هم‌زمان با تشدید علاقه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به شکل‌دهی ائتلاف نظامی عربی جدید - که برخی تحلیلگران آن را «ناتوی عربی» نام نهادند - آمریکا به‌طور جدی از این ائتلاف احتمالی حمایت کرد. سفر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور این کشور به ریاض نیز علاقه‌مندی به این حمایت را نشان داد. با سفر او به عربستان سعودی و دیدار سران بیش از پانزده کشور عربی منطقه با او (در این دیدارها زمزمه‌های شکل‌گیری «ناتوی عربی» نیز جدی شد) روزنامه آمریکایی «The Hill» در مطلبی با عنوان «An 'Arab NATO' Including Israel Can Quiet Exist if it Stays» بیان کرد که تشکیل ناتوی عربی تلاشی دوباره برای مقابله با ایران است؛ چیزی شبیه به اقدام نظامی رژیم صدام در زمان ریگان.

در ادامه برخی عواملی که تاکنون بستر ایجاد ائتلافی منسجم میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را فراهم نکرده‌اند بیان می‌شود (سایت خبری هیل: ۲۰۱۷).

پراکندگی جغرافیایی کشورهای اسلامی، تفاوت برداشت این کشورها از رویکردهای سیاسی و بین‌المللی ایران، ماهیت متفاوت حکومت‌های اسلامی، تعامل‌های فرهنگی و اقتصادی ریشه‌دار برخی از این کشورها با ایران، تمایل‌نداشتن برخی کشور برای پذیرش رهبری عربستان سعودی در جنوب غرب آسیا، همراهی ناقص کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا با طرح و...

در این میان، کشورهای عربی منطقه، به‌ویژه عربستان سعودی با همراهی برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا تلاش می‌کند در قالب طرحی جدید و کاملاً متفاوت، به مقابله با ایران و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی آن بپردازد؛ امری که در قالب ایده جدید ناتوی عربی دنبال می‌شود و بنابر دلایلی مانند افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، سیاست‌های ضد ایرانی دولت جدید آمریکا، افزایش رقابت‌های اقتصادی و نظامی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، برخی تنش‌های تاریخی میان ایران و برخی کشورهای منطقه افزایش می‌یابد.

هدف پژوهش حاضر این است که با بهره‌گیری از نظریه نواقح‌گرایی و به‌کارگیری تکنیک تحلیل اثرات متقاطع، به شناسایی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای مورد نظر بپردازد و آثار آن را بر امنیت ملی ایران بررسی کند. برای این منظور با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و مدل دلفی مشخص شد هریک از مؤلفه‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی به‌میزانی مشخص در شکل‌دهی ائتلاف نظامی عربی مؤثر هستند. این شکل‌گیری بر امنیت ایران از ابعاد گوناگون، به‌ویژه اقتصادی و نظامی تأثیر خواهد گذاشت و میزان نفوذ ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه کاهش خواهد داد.

چارچوب مفهومی و مبانی نظری پژوهش

هانتر (۱۹۸۴) با اشاره به انقلاب اسلامی و تلاش‌های آمریکا برای انعقاد پیمان‌های بین‌المللی با کشورهای عرب منطقه برای مقابله با ایران، به ریشه‌های این مسئله در گذشته پرداخته است؛ تلاش‌هایی که آمریکا برای تضعیف قدرت ایران در ابعاد مختلف و تضمین موقعیت خود در منطقه انجام داده، اما به صورت رسمی به اتحادیه یا ائتلافی نظامی منجر نشده است.

منصوری مقدم (۱۳۹۱) با مطالعه تعاملات ایران، عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه پیش از انقلاب اسلامی، به آغاز تنش‌ها میان کشورهای عربی خلیج فارس با ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی پرداخت و صف‌آرایی آمریکا و متحدانش را علیه ایران در دهه‌های گذشته بررسی کرد. در این پژوهش تنها به دلایل تنش و درگیری اکتفا شده و کیفیت این مؤلفه‌ها چندان مدنظر قرار نگرفته است.

اکوویچ (۲۰۰۳) پژوهشگر آمریکایی با بررسی روابط دوستانه و توأم با رقابت کشورهای عربی با ایران، به‌ویژه عربستان سعودی به نقش مؤثر آمریکا در تعادل‌بخشی به رابطه این دو قطب پیش از انقلاب اسلامی اشاره کرد و در شرایط پس از انقلاب، قرارگیری آمریکا و عربستان سعودی را در جبهه مقابل ایران فرصتی بالقوه برای شکل‌دهی به ائتلاف پایدار علیه ایران دانست.

پژوهش‌های اندکی درباره وضعیت کنونی کشورهای عرب خلیج فارس و تقابل آن‌ها با ایران صورت گرفته است. در این میان نیز کمتر پژوهشی به امکان‌سنجی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی و تحلیل دقیق عوامل ژئوپلیتیکی آن به صورت دقیق پرداخته است؛ رسالتی که در این پژوهش مورد تأکید نگارندگان قرار دارد.

آینده پژوهی

به مجموعه تلاش‌هایی که با جست‌وجو در منابع، الگوها و عوامل متغیر یا ثابت با هدف تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها صورت می‌گیرد، آینده‌پژوهی «futures study» می‌گویند. در این پژوهش معادل امکان‌سنجی در نظر گرفته شده است. در این دانش تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های علمی به‌جای تصور ساده آینده، به گمانه‌زنی‌های مبتنی بر دانش درمورد چندین آینده پرداخته شود؛ زیرا شناخت غیرهوشمندانه آینده در زمان‌های گذشته، متأثر از ابزارهای برنامه‌ریزی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایندهای برنامه‌ریزی می‌تواند با افزایش آسیب و خسارت‌ها همراه باشد (مایر، ۲۰۰۰: ۲).

هرگاه درمورد آینده صحبت می‌شود، باید به این مهم توجه کرد که ملاک شرایط مطلوب یک سیستم در آینده، پایداری آن در شرایط کنونی یا احتمال رسیدن به پایداری در آینده نزدیک است. در رویکرد سیستم‌های انطباق‌پذیر نبود پایداری و تغییرات مداوم یک سیستم، ثبات و پایداری آن را به چالش می‌کشد (دیکسون و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳۴). به همین دلیل پژوهشگران آینده‌پژوهی عقیده دارند این دانش تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، محیط‌زیست، سیاست، اقتصاد و اجتماع است که می‌توان در چارچوب برخی مطالعات هدفمند به آن دست یافت و با داشتن تصویری روشن از آینده به برنامه‌ریزی‌هایی برای برای جلوگیری از تهدیدها و افزایش فرصت‌ها پرداخت (کومکا، ۲۰۰۴: ۵۸۰).

ژئوپلیتیک

در سطوح محلی تا جهانی فضاهای جغرافیایی گوناگون، گروه‌های اجتماعی بشر برپایه ویژگی‌ها و منافع مشترک می‌توانند به سامان سیاسی متحد دست یابند. همچنین به دلیل اینکه حیات و بقا و زندگی واحدهای انسانی از حیث سیاسی به شدت به عوامل جغرافیایی از قبیل مکان، فضا، منابع، فرصت‌ها و تهدیدها وابسته است و به سطح قابل‌قبولی از

قدرت جمعی و گروهی بستگی دارد، شاید بتوان سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست که الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند در اشکالی مثل نوسان قدرت، رقابت، هم‌گرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، تعامل، صلح، ائتلاف، جنگ، امنیت، تجارت، مبادله، ثبات و... ماهیت اصلی ژئوپلیتیک قلمداد کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲).

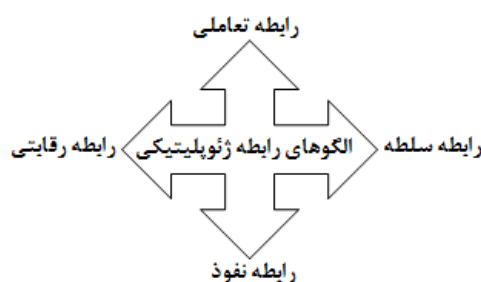
ژئوپلیتیک ساختار فکری برآمده در اوایل قرن بیستم است که افرادی مانند هوفر، راتزل، کیلن، اسپایکمن و ماهان آن را مطرح کردند. اگرچه طراحان این مفهوم در کشورهای آلمان، آمریکا، سوئد، انگلستان و... زندگی می‌کردند، ژئوپلیتیک در قالب دانش جغرافیای سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان توسعه پیدا کرد؛ مفهومی که هدف ساختار فکری آن شناسایی و ساماندهی روش‌هایی است که دولت‌ها به کمک آن می‌توانند قدرت خارجی خود را افزایش دهند و در این مسیر از مسائلی مثل توپوگرافی، هیدرولوژی، منابع مربوط به کشاورزی، صنعت، سیستم‌های حمل‌ونقل و ارتباطات به بهترین شکل ممکن بهره ببرند (گرینفینکل، ۲۰۱۵: ۵۳۳).

منطقه ژئوپلیتیک

به بخشی از سطح سیاره زمین یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی-فضایی هم‌جوار، اعم از فضای خشکی، آبی یا تلفیقی گفته می‌شود که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص، دارای تجانس و هویت مشخص یا کارکردی مشترک، و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز هستند. منطقه ژئوپلیتیک بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است و در فرایند تکاملی خود به سازه ژئوپلیتیک تبدیل می‌شود؛ حالتی که در آن نیروهای سیاسی منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای فعال می‌شوند، فرایندهای هم‌گرایی، واگرایی، ستیز یا همکاری در آن توسعه می‌یابد و روابط سیستمی بازیگران درون و برون منطقه‌ای مبتنی بر عناصر ساختاری و کارکردی منطقه به صورت پیدا و پنهان شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

الگوهای رابطه ژئوپلیتیک

روابط ژئوپلیتیک روابطی هستند که میان کشورها، دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در شکل‌گیری هرگونه رابطه میان بازیگران، عنصر سیاست در قالب بازیگری سیاسی که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز کنش‌هایی که بازیگر انجام می‌دهد، پدیدار می‌شود. باید توجه داشت که عنصر قدرت در شکل‌دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران به هم تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بسترساز را دارد و انگیزه‌های لازم را برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر به وجود می‌آورد. روابط ژئوپلیتیک میان بازیگران از الگوهای گوناگونی شکل می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را تعاملی، رقابتی، نفوذ و سلطه نام‌گذاری کرد (همان: ۳۶۳).



شکل ۱. الگوهای رابطه ژئوپلیتیک

منبع: نگارندگان

نظریه‌های نوواقع‌گرایی در مورد ائتلاف‌های نظامی

نظریه‌های نوواقع‌گرایی که افرادی مانند والتز و کیندرمان بازنگری و اصلاح کردند، براساس فرضیات مشخصی شکل گرفته که در آن هرج‌ومرج اساس نظام بین‌الملل معرفی شده است. کشورها نیز بیش از هرچیز بر منافع شخصی فکر می‌کنند و تنها به دلیل مقابله با دشمن وارد اتحادیه می‌شوند. اتحادیه نیز بدون دشمن از بین می‌رود. نظریه‌هایی که نوواقع‌گرایان در ادبیات علمی جهان طرح کردند، چرایی شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی را از ابعاد مختلف بررسی می‌کند (والتز، ۱۹۷۹: ۷۹). به بیان دیگر آن‌ها نظریه‌های مختلف شکل‌گیری ائتلاف‌های فراملی را در منطقه‌ای ژئوپلیتیکی مطرح می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه موازنه قوا، موازنه تهدید، موازنه منافع و نظریه همزونی اشاره کرد. در چارچوب موازنه قوا که از قدیمی‌ترین نظریه‌های سیاست بین‌الملل است و افرادی مانند والتز آن را مطرح کردند، کشورها زمانی به سوی ائتلاف می‌روند که کشوری در منطقه قدرتمند شود و احتمال سلطه آن وجود داشته باشد. در این شرایط کشورهای دیگر برای مقابله با این سلطه و ایجاد توازن قوا به سوی ائتلاف کشیده می‌شوند تا از این طریق مانع شروع جنگ شوند (ری، ۱۹۹۸: ۳۵۳).

از نظر نوواقع‌گرایان، دولت‌ها زمانی دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند که موازنه در مقابل تهدید را ضروری احساس کنند و بدین ترتیب ائتلاف را تشکیل دهند، اما ایجاد هر اتحاد یا هم‌گرایی به درجه انسجام و قدرت آن، از آزادی عمل کشورهای عضو ائتلاف می‌کاهد و هزینه‌هایی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند. براساس نظریه موازنه قوا در سیستم بین‌المللی، توازن قوا به‌عنوان امری جبری به‌صورت خودکار شکل می‌گیرد و اتحادها عامل اصلی شکل‌دهی این فرایند خودکار هستند. به بیان دیگر، ائتلاف‌ها به‌عنوان پاسخی در برهم‌خوردن موازنه قوا تشکیل و سبب تجمیع توانمندی اعضا می‌شوند (گلپی، ۱۹۹۹: ۱۰۷).

براساس نظریه موازنه تهدید که افرادی مانند والت آن را مطرح کردند، کشورها در مسیر شکل‌دهی به ائتلاف به‌دنبال توازن قوا نیستند و تلاش می‌کنند موازنه‌ای بر ضد تهدیدهایی که به آن‌ها احساس خطر دارند ایجاد کنند؛ تهدیدهایی که شاید براساس قدرت دولت‌های متعارض استوار نباشد؛ از این‌رو دست به اتحاد با یکدیگر می‌زنند. غیر از دو نظریه مذکور، در چارچوب نظریه موازنه منافع نیز که افرادی مانند اشولر آن را مطرح کردند، مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع و توازن نداشتن قدرت یا تهدید است. به تعبیر اشولر، رفتار کشوری در اتحادیه ضرورتاً با حضور قدرت یا تهدیدی خارجی تعیین نمی‌شود، بلکه از طریق فرصت‌ها برای دستاوردها و منافع مدنظر قرار می‌گیرد. یکی دیگر از نظریه‌پردازان نظریه نوواقع‌گرایی که در مورد ائتلاف‌ها نظر داده است، اشولر است. وی با انتقاد از نظریه موازنه قوا و موازنه تهدید، موازنه منافع را ارائه کرد. از نظر او مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع است نه بی‌توازی قدرت یا تهدید. به تعبیر وی رفتار کشوری در اتحادیه را ضرورتاً حضور قدرت یا تهدیدی خارجی تعیین نمی‌کند، بلکه این رفتار به‌کمک فرصت‌ها برای دستاوردها و منافع تعیین می‌شود. وی معتقد است با این نظریه می‌توان چگونگی شکل‌گیری ائتلاف را در سطح ملی و سیستمی توضیح داد (والتز، ۱۹۷۹: ۹۱-۹۷).

علاوه بر نظریه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، نظریه دیگری با عنوان نظریه همزونی مطرح است که جوزف نای آن را برای اولین بار طرح کرد. براساس این نظریه، یک کشور به‌اندازه‌ای قدرتمند است که بر روابط میان کشورها حکومت کند و قصد چنین کاری را نیز داشته باشد؛ موضوعی که شکل‌دهی به ائتلاف را نه به دلیل موازنه، بلکه وابسته به برتری قدرت خارجی می‌داند (بریلمایر، ۱۹۹۴: ۱۴).

اگرچه معمولاً همزونی در چارچوب نظریه واقع‌گرایی و به‌ویژه واقع‌گرایی ساختاری بررسی می‌شود، درباره این مفهوم در چارچوب نظریه‌های مختلف دیگر نیز بحث شده است. مارکسیست‌ها آن را به‌عنوان مرحله پیشرفته و پیچیده‌ای از سلطه، غلبه طبقاتی و امپریالیسم و برای جبران ناتوانی نظریه‌های امپریالیسم و وابستگی مدنظر قرار داده‌اند و در ادبیات

جدید این حوزه، به‌ویژه در نظریه «نظام جهانی» بهره‌فراوانی از آن برده‌اند. والرش‌تاین آن را به‌طور جدی و از منظر جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل مدنظر قرار داده است. به‌طورکلی یک دولت برای ایفای نقش هژمونی به منابع متعددی نیاز دارد و علاوه‌بر قدرت نظامی باید بر چهار مجموعه از منابع عمده اقتصادی مواد خام، منابع سرمایه، بازار و برتری بی‌رقیب در تولید کالاهایی که ارزش بسیار بالایی دارند، کنترل داشته باشد. درواقع برای اینکه دولتی بتواند در موقعیت هژمونی قرار بگیرد، باید مجموعه‌ای از اسباب و عوامل را فراهم آورد. این اسباب شامل برتری نسبی، اراده ملی و پذیرش بین‌المللی است (جورج، ۱۹۹۳: ۱۹۸-۲۰۲).

به بیان دیگر فرض نظریه نوواقع‌گرایی و قالب‌های فکری زیرمجموعه‌اش در نظام بین‌الملل این است که دولت‌ها (بازیگران اصلی) سعی دارند با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی حداکثر منافع خود را تأمین کنند. عنصر متغیر ساختاری در این نظام همان توانمندی‌های نسبی است که با الهام از اصل خودیاری صورت می‌گیرد. این اصل موجب شکل‌گیری الگوهای ائتلافی بین‌المللی یا الگوهای داخلی متفاوت می‌شود که حاصل آن تشکیل موازنه قدرت است. براین اساس نوواقع‌گرایان به‌جای تلقی قدرت به‌عنوان هدف نهایی، آن را ابزاری دوسویه می‌بینند که اگر دولت‌ها در میزان در اختیار داشتن آن دچار افراط یا تفریط شوند و موازنه قدرت در یک منطقه بر هم بخورد، احتمال مخاطره و ناامنی بالا می‌رود.

امنیت و ابعاد مختلف آن

امنیت در معنای عینی آن یعنی تهدیدنکردن ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی آن یعنی هراس‌نداشتن از اینکه به ارزش‌های مزبور حمله شود (ولفرز، ۱۹۶۲: ۱۰۵). کشوری امنیت دارد که در صورت احتراز از جنگ، مجبور به فداکردن منافع حیاتی خود نباشد و در صورت وقوع جنگ این منافع را با پیروزی در جنگ حفظ کند. امنیت ابعاد گوناگونی از جمله اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی دارد و در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل‌تعریف است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱). بوزان و ویور در کتاب مشترکشان با عنوان «مناطق و قدرت‌ها» مدعی هستند امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان برای تحلیل امنیت ملی کشوری به عوامل داخلی اتکا کرد. از سوی دیگر به‌دلیل اینکه سطح جهانی نیز بسیار کلی و نبود فهم کلی از امنیت برای کشورهاست؛ آن‌ها سطح منطقه‌ای را به‌عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند (بوزان و ویور، ۲۰۰۹: ۵۴).



شکل ۲. ابعاد مختلف امنیت

منبع: نگارندگان

آمریکا و منطقه جنوب غرب آسیا

از میانه قرن نوزدهم به بعد، ایالات متحده آمریکا تلاش سازماندهی‌شده‌ای را برای ایجاد ارتباط با ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت پرنفوذ منطقه درپیش گرفت و مناسبات اقتصادی و نظامی خود را از طریق این دو کشور پیش برد. شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که ایران به‌عنوان مسئول امنیت منطقه‌ای و عربستان به‌منزله مسئول اقتصادی منطقه برای آمریکایی‌ها و در راستای منافع آن‌ها قرار گرفتند. به گفته گازیوروسکی، توسعه فعالیت هیئت‌های مذهبی در ایجاد مدارس و درمانگاه‌ها در نقاط مختلف ایران و لزوم حمایت از اتباع آمریکا که تعداد آن‌ها همچنان افزایش می‌یافت، یکی از دلایل برقراری روابط سیاسی بین ایران و ایالات متحده در سال ۱۸۸۳ میلادی بود (خدری‌زاده، ۱۳۸۵: ۹).

مداخلات ایالات متحده و تأثیرگذاری آنان در این منطقه که در راستای منافع دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی طراحی شده بود، خیلی زود آثار منفی خود را بر امنیت منطقه نشان داد و به درگیری‌های فراوانی انجامید. یکی از این موارد، آغاز جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۵ بود که موجی از جنگ و خون‌ریزی را در جنوب غرب آسیا ایجاد کرد. همچنین بخش عمده‌ای از خاک کشورهای عربی را به تصرف رژیم صهیونیستی درآورد که تحت حمایت کامل آمریکا بود (کریمی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۴).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شرایط برای حضور و فعالیت آمریکا در خاک ایران و همکاری با ایران برای پیشبرد منافع در جنوب غرب آسیا به کلی از بین رفت و فضا به‌گونه‌ای ادامه یافت که روزبه‌روز بر دامنه تنش‌های میان دو کشور افزوده شد. برخلاف افزایش بی‌اعتمادی و تنش میان ایران و آمریکا و تلاش‌های فراوان این قدرت جهانی برای تضعیف و نابودی حکومت جمهوری اسلامی ایران که نمونه بارز آن را در فضای تحریم‌های فراوان و تقویت رژیم بعث عراق برای حمله به ایران می‌توان دید، رابطه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی با آمریکا روزبه‌روز بهتر شد. تلاش‌های روزافزون آمریکا برای تعامل با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بر افزایش دامنه تنش‌های میان ایران و کشورهای عربی مؤثر بود؛ زیرا یکی از سیاست‌های آمریکایی‌ها برای پیشبرد منافع اقتصادی‌شان افزایش موج نامنی و دامن‌زدن به جنگ در منطقه بود (جوادی فتح، ۱۳۸۴: ۲۳).

ایران در منطقه جنوب غرب آسیا از نظر زمین-راهبردی برای منافع راهبردی و گوناگون آمریکا بسیار حیاتی است. آمریکایی‌ها اکنون با این حقیقت روبه‌رو هستند که مفهوم «هارتلند» به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته و از محل سنتی خود اندکی به سوی جنوب و میان دریای خزر تا خلیج فارس تغییر مکان داده است؛ به‌گونه‌ای که ایران قلب این هارتلند جدید است و همین امر اجازه نمی‌دهد آمریکایی در برابر تحولات ایران و افزایش قدرتش بی‌تفاوت باشند (مهدیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۸).

آمریکایی‌ها در جدیدترین اقدام خود برای افزایش و تقویت همکاری‌ها با کشورهای حاشیه خلیج فارس و ادامه تلاش‌های ضد ایرانی قصد دارند تا کشورهای عربی خلیج فارس را به شکل‌دهی ائتلاف نظامی عربی ترغیب کنند؛ تلاش‌هایی که زمینه و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی فراوانی سیاستمداران آمریکایی را به عملیاتی‌کردن این ائتلاف و افزایش فشارها بر این وامی‌دارد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

به‌طور کلی منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، و به‌صورت جزئی حاشیه جنوبی خلیج فارس که در طول سال‌های متمادی پایگاه تلاش‌های فراوان آمریکایی‌ها برای کاهش قدرت و امنیت ملی ایران و به‌چالش کشیدن امنیت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا بود، قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر است؛ منطقه‌ای که به‌تازگی برخی کشورهای عربی در آن با حمایت‌های ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در پی آغاز تلاش‌های جدیدی برای تضعیف موقعیت ایران هستند.

در منطقه مورد اشاره کشورهایی مانند عربستان سعودی، یمن، بحرین، اردن، امارات متحده عربی، کویت و مصر به‌شدت شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی را دنبال می‌کنند و البته برخی کشورهای عربی-آفریقایی دیگر مانند مراکش، سودان، لیبی، الجزایر و تونس نیز به عضویت در آن علاقه‌مند هستند.



شکل ۳. منطقه جغرافیایی جنوب غرب آسیا و کشورهای حاضر در این منطقه

منبع: نگارندگان

روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی و تحلیلی-ترکیبی است که در آن برای رسیدن به هدف مطلوب و ارزیابی صحیح فرضیه‌ها علاوه بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع استفاده شد. این تکنیک یکی از روش‌های مطالعاتی در حوزه آینده‌پژوهی است که با بررسی روابط علی و معلولی میان عوامل مؤثر بر یک موضوع به سناریوهای ممکن و محتمل آینده دست می‌یابد. روش مطالعاتی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع در این پژوهش بر این پرسش استوار است که کیفیت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در حاشیه خلیج فارس به چه صورت است و این ائتلاف نظامی چه آثاری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. در این تکنیک رویدادها و روندها به‌مثابه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و از طریق بررسی خروجی (دوبه‌دو) با متغیرهای مؤثر یا پیشران (در سطر و ستون) احتمالات آینده پدیده ترسیم شده‌اند.

روش پیش‌بینی آینده و بررسی کیفیت عوامل مؤثر بر مسئله‌ای به کمک نرم‌افزار میک‌مک که گودت آن را اختراع کرده است، این امکان را می‌دهد که با استفاده از ارتباط ماتریسی همه مؤلفه‌های اصلی یک سیستم و نظرات دقیق کارشناسان تشریح شوند و با بررسی این ارتباطات روش و امکان آشکارسازی متغیرهای اصلی برای ارزیابی سیستم ممکن شود. در این نرم‌افزار ارتباط میان مؤلفه‌ها با اعداد صفر تا ۳ سنجیده می‌شود. به این شکل که عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد ۱ به منزله تأثیر ضعیف، عدد ۲ به منزله تأثیر متوسط و عدد ۳ به منزله تأثیر زیاد است. دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر تحولات مسئله مورد پژوهش و جمع‌آوری داده‌های مرتبط با آن نیز به کمک پرسش‌نامه و از طریق روش دلفی انجام شد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که کیفیت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی موسوم

به ناتوی عربی در حاشیه خلیج فارس به چه صورت است و این ائتلاف نظامی در صورت شکل‌گیری چه آثاری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

بحث و یافته‌ها

در نخستین مرحله اجرای مدل محاسباتی ذکر شده برای ارزیابی و سنجش ترتیب و جایگاه دلایل و عوامل شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس و آثار آن بر امنیت ملی ایران، پانزده عامل احتمالی براساس نظرات کارشناسان و مطالعات انتخاب و در ۵ قالب کلی اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و جغرافیایی تقسیم‌بندی شد. در گام بعد، برای این عوامل براساس ضرورت نرم‌افزار تحلیلگر مورد استفاده، نشانک‌های کوتاه انتخاب شد و پس از تهیه ماتریس این عوامل، نظر پانزده نفر از استادان و صاحب‌نظران رشته‌های جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل در مورد میزان اثرگذاری هر یک از عوامل بر یکدیگر مدنظر قرار گرفت و براساس میانگین تقریبی نظرات دریافتی ماتریس نهایی تشکیل و وارد نرم‌افزار شد.

در ماتریس تهیه شده عوامل سطر بر ستون تأثیرگذار است، خبرگان مرجع پرسش باید از میان ۴ عدد صفر=بی تأثیر، ۱=تأثیر کم، ۲=تأثیر متوسط و ۳=تأثیر خیلی زیاد، عددی را براساس نظر شخصی در جدول ماتریس می‌نوشتند. جامعه آماری پانزده متخصصی که این ماتریس را پر کردند، داده‌هایی را به دست داد که پس از تحلیل با نرم‌افزار، منای تحلیل پژوهش حاضر قرار گرفت. متخصصانی که در تکمیل رابطه میان متغیرهای این پژوهش همکاری داشتند، شامل استادان رشته جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، خوارزمی، دانشگاه اصفهان و شهیدبهشتی بودند.

جدول ۱. عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی

ردیف	مؤلفه	عوامل شکل‌گیری	عنوان کوتاه
۱	جغرافیایی	موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و رقابت برای تسلط بر آن افزایش مشکلات زیست‌محیطی در منطقه و کاهش منابع	جغرافیا زیست
۲	نظامی	افزایش روزافزون توان و تسلیحات نظامی ایران آمار بالای نیروی نظامی آماده و توانمند در ایران	تسلیحات نیرو
۳	سیاسی	نبود دموکراسی در کشورهای عربی و نگرانی سیاسی آن‌ها نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه و تضعیف امنیت فعالیت‌های تقابلی گرایانه در ایران مانند حادثه سفارت عربستان حضور فعال و نفوذ چشمگیر ایران در برخی کشورهای منطقه	دموکراسی قدرت‌ها امنیت سفارت نفوذ
۴	اقتصادی	تولیدات کمتر غیرنفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود شرکای تجاری غیرایرانی در میان کشورهای عربی حجم بالای نفت، گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران	غیرنفتی تجارت انرژی
۵	اجتماعی	مذهب متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس زبان و نژاد متفاوت کشورهای حاشیه خلیج فارس جمعیت کمتر کشورهای حاشیه خلیج فارس	مذهب زبان جمعیت

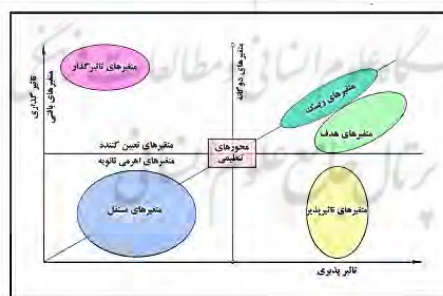
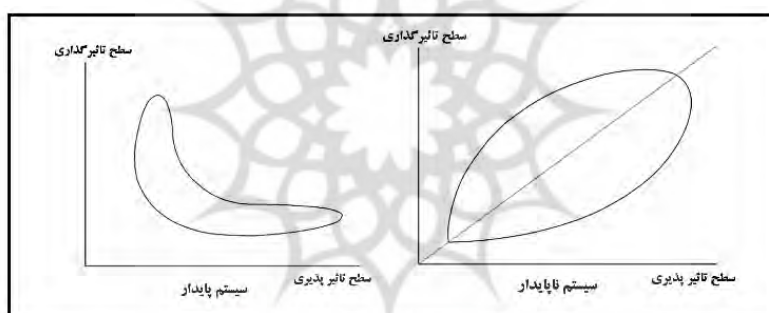
منبع: پرسشنامه پژوهش

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف‌های ضد ایرانی در حاشیه خلیج فارس

جمعیت	زبان	مذهب	انرژی	تجارت	غیرنفتی	نفوذ	سفارت	امنیت	قدرت‌ها	دموکراسی	نیرو	تسلیمات	زیست	جغرافیا
۲	۲	۱	۲	۲	۱	۳	۰	۱	۲	۳	۲	۳	۲	۱
۱	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۰	۲	۱	۲	۲	۱	۱	۲
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۰	۳	۲	۱	۱	۱	۱	۲
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۰	۰	۲	۱	۱	۱	۰	۱
۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۰
۱	۱	۲	۲	۳	۰	۳	۳	۱	۱	۰	۳	۳	۳	۲
۰	۰	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۱	۲	۲	۳	۳	۱	۳
۱	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۰	۰	۰	۲	۰
۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۳	۱	۲	۳	۳	۰	۲
۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۱	۲	۱	۱	۱	۱
۱	۰	۰	۲	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۳	۱	۳	۱	۲	۰	۱	۳	۳	۲	۲
۱	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۱	۰
۱	۱	۱	۰	۰	۰	۲	۱	۱	۰	۱	۱	۲	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۲	۳	۱	۲	۲	۰	۲	۱	۲	۲	۱

شکل ۴. ماتریس نهایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی و ضد ایرانی از نظر کارشناسان

منبع: نگارندگان



شکل ۵. وضعیت قرارگیری عوامل توسعه در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

منبع: محمدپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵

در نرم‌افزار میک‌مک ابتدا متغیرهای مهم شناسایی و در ماتریس گنجانده می‌شوند تا کارشناسان در مورد آن‌ها اظهارنظر کنند. این نرم‌افزار خروجی‌های گوناگونی دارد که به‌طور کلی به دو نوع تقسیم می‌شود. شرح آن به این صورت است که اگر عوامل موجود حول محور قطرها قرار بگیرند، این مسئله حکایت از ناپایداری سیستم و اگر به شکل L باشد گویای پایداری سیستم است. وضعیت قرارگیری عوامل در بخش‌های مختلف مختصات در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز امکان‌های گوناگونی برای تحلیل صورت می‌دهد (بهشتی و زالی، ۲۰۱۱: ۶۱).

تحلیل

همان‌طور که بیان شد در تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و در خروجی نرم‌افزار آینده‌نگاری میک‌مک، اگر عوامل وزن داده‌شده در جدول مختصات به شکلی شبیه به L پراکنده شوند، حکایت از وجود نوعی پایداری در سیستم و اگر به محور قطرها پراکنده شوند، حکایت از ناپایداری در سیستم هستند. در بررسی دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در جنوب غرب آسیا و آثار آن بر امنیت ملی ایران، عوامل جدول مختصات به شکل L پراکنده نشده و تقریباً پراکندگی عوامل انتخابی در محور قطرها توزیع شده است؛ وضعیتی که بر ناپایداری سیستم دلالت دارد.

در مطالعه صورت‌گرفته و براساس خروجی‌های نرم‌افزار، عوامل مؤثری مانند موقعیت جغرافیایی منطقه ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس، افزایش مشکلات زیست‌محیطی و کاهش منابع، میزان انرژی موجود در این منطقه، نقش آفرینی قدرتهای فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها و جمعیت کمتر کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس به نسبت ایران از میان پانزده عامل انتخابی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی تعیین شد؛ وضعیتی که نشان می‌دهد در جنوب غرب آسیا و منطقه خلیج‌فارس به‌دلیل اهمیت راهبردی منطقه و شرایط ویژه جغرافیایی آن از جمله محدودیت طبیعی و انسانی و مشکلات برآمده از این محدودیت‌ها در کنار بازیگری قدرتهای فرامنطقه‌ای، کشورهای عرب منطقه به‌لزم شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی برای افزایش ضریب امنیت و تقویت قدرتشان ترغیب شده‌اند.

غیر از موقعیت جغرافیایی کشورهای عربی در حاشیه خلیج‌فارس، حجم زیاد ذخایر نفت و گاز در منطقه خلیج‌فارس و رقابت شدید کشورهای عربی منطقه با ایران در حوزه انرژی عامل تأثیرگذار دیگری است که کشورهای منطقه را به تشکیل ائتلاف نظامی در راستای افزایش توانمندی‌ها و مقابله با قدرت اقتصادی ایران در بازارهای بین‌المللی تشویق کرده است؛ اتفاقی که می‌تواند وحدت نظر و همراهی این کشورها را در تصاحب بازارهای اقتصادی حوزه نفت و گاز و تضعیف موقعیت اقتصادی ایران در منطقه در پی داشته باشد.

براساس نظر کارشناسان، جمعیت و نیروی انسانی کمتر کشورهای عرب منطقه خلیج‌فارس در کنار بازیگری قدرتهای جهانی مانند آمریکا از جمله عوامل تأثیرگذار و مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی موسوم به ناتوی عربی است؛ قدرتی مانند آمریکا که پس از انقلاب اسلامی در ایران اختلافات آشکاری پیدا کرد و شکل‌گیری هر ائتلاف ضد ایرانی در منطقه را همراه با منافع خود ارزیابی و به همین دلیل از آن‌ها حمایت کرد.

در پژوهش حاضر عواملی از قبیل حادثه اشغال سفارت عربستان در سال ۱۳۹۴ در تهران، تولیدات کمتر غیرنفتی کشورهای عربی از ایران، مذهب متفاوت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با ایران و نیز زبان متفاوت آن‌ها با ایران به‌عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی تعیین و برای تعیین صحت و نیز میزان ارزش آن‌ها به رأی نخبگان گذاشته شد.

براساس نظر کارشناسانی که در این پژوهش اعلام‌نظر کردند، عواملی مانند مذهب متفاوت ایران با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، زبان متفاوت، صادرات غیرنفتی و بیشتر ایران و ماجرای حادثه سفارت عربستان عاملی اثرگذار بر این موضوع نیست و این عوامل به‌عنوان متغیرهای مستقل رده‌بندی می‌شوند؛ موضوعی که براساس آن می‌توان اثرگذاری این عوامل را در شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی رد کرد.

مطالعات و تحلیل نظر کارشناسان این پژوهش نشان داد از میان پانزده عامل انتخابی به‌عنوان عوامل اثرگذار، مقابله با حضور و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در محور مقاومت و برخی کشورهای منطقه مثل عراق، سوریه و لبنان و تقویت امنیت کشورهای عربی در مقابل تضعیف امنیت ایران دو عامل هدف در پژوهش حاضر هستند که کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس و دیگر متحدان کشورهای عربستان سعودی را به‌سوی شکل‌دادن به ائتلاف نظامی عربی کشانده است؛ یعنی کشورهای عرب منطقه که عزم جدی برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی دارند، براساس بررسی‌های صورت‌گرفته

کاهش ضریب امنیت ایران، تقویت امنیت خود، کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران و تضعیف قدرت ساختاری محور مقاومت را به عنوان اهداف اصلی برای شکل‌دهی به این ائتلاف در نظر گرفته‌اند.

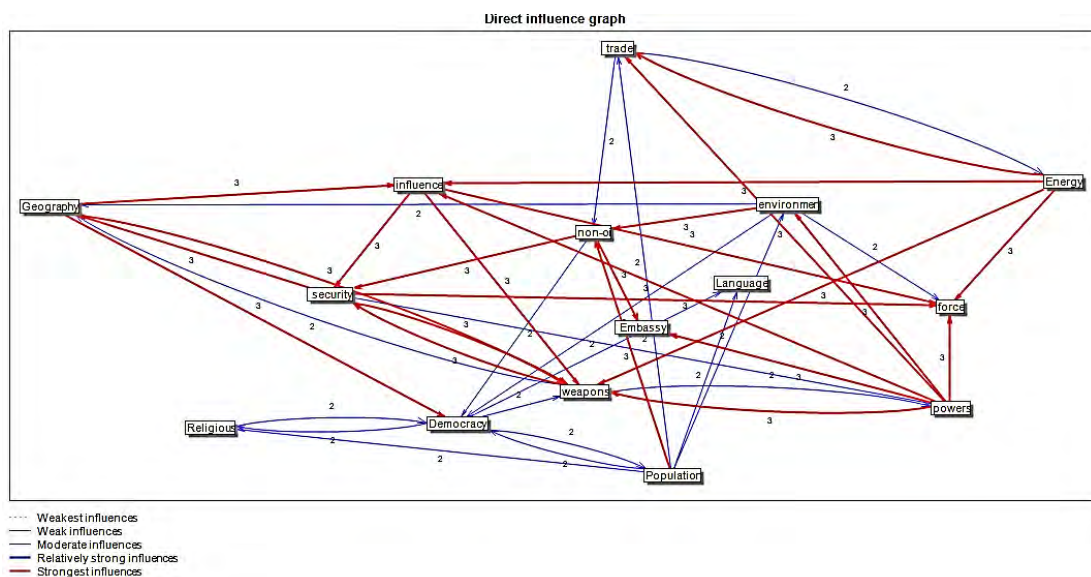
البته در این رابطه مؤلفه امنیت منطقه به عنوان متغیر ریسک تعیین شد که نشان می‌دهد بیشترین احتمال خطر و آسیب در میان همه مؤلفه‌های مورد اشاره به این متغیر مربوط است و هر لحظه امکان ناآرامی‌های امنیتی وجود دارد. در این پژوهش، تسلیحات نظامی و افزایش روزافزون توان نظامی ایران به عنوان متغیر تأثیرپذیر تعیین شد که متأثر از فعل‌وانفعالات کشورهای عربی بود. بازیگری‌های ضدایرانی آن‌ها نیز هم‌پای برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا سبب شده است که ایران به سوی تقویت قدرت نظامی و توان تسلیحاتی خود برود. به بیان دیگر برخلاف تصور اولیه که افزایش روزافزون توان و تسلیحات نظامی ایران عاملی مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی فرض شد، این عامل تأثیرپذیر است؛ یعنی یکی از انگیزه‌های ایران و مقامات نظامی کشور، مسئله توان نظامی تهدیدات مداوم و پیوسته‌ای است که از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی متوجه ایران شده است.

جدا از موضوع افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران که به عنوان متغیر تأثیرپذیر تعیین شد، براساس نظر کارشناسان این پژوهش آمار بالای نیروی نظامی و توان روزافزون نظامی ایران نیز متغیری است که از فعل‌وانفعالات ضدایرانی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و قدرت‌های فرامنطقه‌ای متحد با آن‌ها مانند آمریکا تأثیر می‌پذیرد. وجود شرکای غیرایرانی در میان کشورهای عربی که در پژوهش به عنوان عامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف ارزیابی شد، نشان می‌دهد که این مؤلفه از فعل‌وانفعالات کنونی و تنش‌های موجود تأثیر پذیرفته است و نمی‌توان آن را به عنوان عاملی اثرگذار در نظر گرفت؛ یعنی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به دلیل بی‌نیازی به اقتصاد ایران و تجارت با شرکای غیرایرانی به سوی شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی ترغیب نشده‌اند و این مؤلفه، تجارت کشورهای عربی با ایران است که در جریان تنش‌های روزافزون شکل گرفته، تأثیر پذیرفته و کاهش یافته است.



شکل ۶. پراکنش عوامل مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف در جدول مختصات

منبع: خروجی نرم‌افزار میک‌مک



شکل ۷. میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف بر یکدیگر
منبع: خروجی نرم‌افزار میک‌مک

نبود دموکراسی در کشورهای عربی و نگرانی آن‌ها از شرایط سیاست داخلی در فرض اولیه به‌عنوان عامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی ارزیابی شد که براساس نظر کارشناسان عاملی اثرگذار تعیین نبود. نگارندگان با این نتیجه که دموکراسی عاملی تأثیرپذیر است، چندان موافق نیستند. شاید در کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن، کویت و امثال آن‌ها حکومت پادشاهی تا حدودی نهادینه شده باشد و این قدرت‌ها حداقل در کوتاه‌مدت حتی در صورت عدم شکل‌دهی به ائتلاف نگرانی چندانی از این بابت نداشته باشند، اما حکومت‌های مستقر در کشورهایمانند یمن، بحرین، مصر، لیبی و... به گواه تحولات چند سال اخیر به‌شدت درگیر اعتراضات مردمی و داخلی هستند که نشان می‌دهند با استمرار حکومت‌های غیردموکراتیک چندان موافق نیستند؛ وضعیتی که این قدرت‌های مستقر در این کشورها را به‌سوی وحدت نظامی با دیگر قدرت‌های عرب حاشیه خلیج فارس کشانده تا به این طریق قدرت و توان نظامی خود را در سال‌های آینده تضمین کنند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا بررسی و با رویکرد نواقع‌گرایی در بستر دانش ژئوپلیتیک آثار احتمالی این ائتلاف بر امنیت ملی ایران ارزیابی شد. اگرچه تاکنون درباره این ائتلاف نظامی عربی به‌دلیل رسمیت‌نداشتن، پژوهش مشخصی صورت نگرفته است، تعدادی از پژوهشگران به‌صورت جسته و گریخته به آن پرداخته‌اند؛ پژوهش‌هایی که در بیشتر آن‌ها نقطه مغفول ماجرا بررسی دقیق میزان اثرگذاری این عوامل و وزن‌دهی به آن‌ها با هدف دستیابی به نمای مشخص از این موضوع و ترسیم تصویری روشن از آینده منطقه است.

در شرایط کنونی منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، که کشور ایران توانسته است با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود برخی کشورهای منطقه را در دنبال کردن سیاست‌های مشابه همراه کند و محور مقاومت را در منطقه شکل بدهد، آمریکا و متحدانش در منطقه از جمله عربستان سعودی از این موضوع نگران هستند، به‌ویژه آنکه آن‌ها در مقاطع تاریخی و مکان‌های جغرافیایی مختلف مثل میدان نبرد سوریه و عراق توان شکست محور مقاومت و نفوذ کامل در ساختار

حاکمیتی را ندارند. در چنین شرایطی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با همراهی برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا تلاش‌های جدیدی برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی انجام می‌دهند تا ضمن تقویت موقعیت خود در جنوب غرب آسیا مانند زمینه‌های تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه فراهم کنند.

جدا از دانش ژئوپلیتیک و مبحث الگوهای ژئوپلیتیکی می‌توان این دانش را که به واسطه چهار رابطه رقابتی، سلطه، نفوذ و تعامل و با بررسی‌هایی که مدنظر پژوهش حاضر بود، الگوی مسلط کنونی یعنی سلطه کشور آمریکا بر کشورهای عربی و هدایت آن‌ها را به سمت منافع خود را از آن استنباط کرد، در دانش روابط بین‌الملل نیز نواقعی گرایان در رابطه با چرایی علاقه کشورهای به شکل‌دهی به ائتلاف نظامی ترس از یک یا چند کشور رقیب و مسائلی مانند تلاش برای موازنه قوا، موازنه تهدید و موازنه منافع را مورد اشاره قرار می‌دهند و در این میان، نظریه هژمونی را که به معنای اثرگذاری قدرت برتر ساخت‌های بین‌المللی متحد و همگراست مطرح می‌کنند؛ نظریه‌ای که تأکید دارد دلیل اصلی گرایش کشورهای منطقه‌ای به شکل‌دهی یک ائتلاف بیش از آنکه مبتنی بر خواست و اراده خود آن‌ها باشد، ناشی از بازیگری و نقش‌آفرینی‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای است.

در پژوهش حاضر از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک استفاده شد و پس از دریافت نظر کارشناسان در مورد میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا آن بحث شد؛ عواملی که برای دریافت میزان اثرگذاری آن‌ها بر ابعاد مختلف امنیت در حوزه‌های مختلفی مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و جغرافیایی تقسیم‌بندی شدند.

خروجی نرم‌افزار نشان داد که متغیرهایی مانند بازیگری قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌صورت مشخص آمریکا، موقعیت جغرافیایی منطقه خلیج فارس، مشکلات زیست‌محیطی و محدودیت‌های برآمده از آن، حجم بالای انرژی‌های نفت و گاز موجود در منطقه و جمعیت کمتر کشورهای عربی خلیج فارس از ایران از جمله دلایل اصلی ترغیب کشورهای عربی به سوی ائتلاف نظامی و ضدایرانی است.

در این میان و براساس نتایج پژوهش حاضر، افزایش امنیت کشورهای عربی، تضعیف امنیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نیز مقابله با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا از جمله اهدافی است که کشورهای عربی با پیگیری ایده ائتلاف نظامی به دنبال تحقق آن هستند. براین اساس متغیرهایی مانند نبود دموکراسی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، وجود شرکای غیرایرانی میان کشورهای عربی، آمار بالا و روزافزون توان تسلیحاتی کشور ایران و نیز نیروی نظامی قدرتمند و زیاد ایران نه تنها از جمله دلایل اصلی و مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی نیست، بلکه این عوامل در ردیف مؤلفه‌های تأثیرپذیر از شرایط و سیستم موجود رده‌بندی می‌شوند.

جدا از عوامل بالا، متغیرهای حادثه سفارت عربستان در تهران، تفاوت زبان و مذهب کشورهای عربی با ایران و نیز موضوع صادرات غیرنفتی بیشتر ایران از جمله متغیرهای مستقلی هستند که در این فرایند یعنی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی چندان مؤثر نیستند.

نقش‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در شکل‌گیری این ائتلاف احتمالی بسیار زیاد است و موضوع رقابت‌های اقتصادی و تصاحب بازارهای اقتصادی منطقه جنوب غرب آسیا و انرژی نفت و گاز خلیج فارس برای کشورهای عربی اهمیت بسیاری دارد. از سوی دیگر، آن‌ها ایده ائتلاف نظامی را با هدف کاهش ضریب امنیت و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه دنبال می‌کنند. به نظر در شرایط کنونی و آینده، امنیت ملی ایران در حوزه‌های اقتصادی و نظامی به شدت تأثیر می‌پذیرد؛ زیرا امنیت یعنی نبود تهدید درباره ارزش‌های موجود. این اهداف و عوامل تأثیرگذار به‌صورت مستقیم برای شاخص‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، تهدید قلمداد می‌شوند.

فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در جنوب غرب آسیا، ایجاد هرگونه ائتلاف نظامی این کشور با کشورهای عربی حاشیه

خلیج‌فارس، مساعدت این کشور با کشورهای عرب منطقه در برداشت هرچه بیشتر از منابع سوخت زیرزمینی، گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در مرزهای پیرامونی ایران، تبدیل این کشور به پشتوانه و متحدی قوی برای کشورهای عربی در قبال ایران، اعمال محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و تعامل ایران با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و... از جمله رخدادهای ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران است که در چارچوب این ائتلاف نظامی و براساس نظریه همزونی در حال شکل‌گیری است و هریک به‌نوعی امنیت ایران را متأثر خواهد کرد، به‌ویژه که ایران اکنون از جمله کشورهایی است که از نظر اقتصادی به‌شدت به منابع فسیلی خود متکی است و دنبال کردن هرگونه سیاست برای تحریم آن از سوی آمریکا، تعامل بیشتر اقتصادی این کشور با رقبای ایران، افزایش محدودیت‌های اقتصادی ایران با همسایگان جنوبی و... امنیت ایران را از بعد اقتصادی، نظامی و... دچار آسیب خواهد کرد.

اکنون افزایش قدرت نظامی، افزایش ضریب امنیت داخلی و افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی برای رقبای ایران در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس به نگرانی تبدیل شده است و آن‌ها قصد دارند با اتخاذ سیاست‌های واحد، ضمن مقابله با قدرت‌آفرینی ایران در منطقه، بقای حکومت‌های خود را تضمین کنند. مطالب ذکرشده به استمرار تلاش‌ها و حضور آمریکا در منطقه اشاره دارد که امنیت ملی ایران را در ابعاد مختلف اقتصادی و نظامی بیش‌ازپیش تهدید خواهد کرد. در چنین شرایطی ضروری است دستگاه دیپلماسی ایران تا ائتلاف نظامی عربی محقق نشده است، تلاش مضاعفی را برای کاهش ایران‌هراسی در منطقه دنبال کند و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس را از خسارت‌های امنیتی فراگیر این ائتلاف و منافع حداکثری که تنها برای آمریکایی‌ها پیش می‌آورد، آگاه سازد.

برخلاف تصور غالبی که در میان سیاستمداران و اندیشمندان این حوزه در ایران وجود دارد، پژوهش حاضر نشان می‌دهد متغیرهایی مانند مذهب، زبان و ماجرای اشغال سفارت ایران در عربستان در علاقه کشورهای عربی اثرگذار نیست و این کشورها از کاهش مناسبات اقتصادی با ایران چندان خوشنود نیستند. همچنین برخلاف تصویری که دلایل سرمایه‌گذاری زیاد ایران را در بخش‌های نظامی افزایش دشمنی‌های عربستان سعودی با ایران توصیف می‌کند، این پژوهش نشان می‌دهد تلاش‌های ایران برای سرمایه‌گذاری زیاد در بخش نظامی و افزایش توان تسلیحاتی تابعی از فعل‌وانفعالات ضدایرانی در خلیج‌فارس است که طبیعتاً در صورت بهبود مناسبات مسیر متعادلی را طی خواهد کرد. در چنین شرایطی مقامات سیاسی ایران باید ضمن توجه به خسارت‌ها و پیامدهای نامطلوب چنین ائتلافی و با پذیرش این اصل که براساس نظریه همزونی کشورهای عرب منطقه در دنبال کردن ایده ائتلاف نظامی عربی موسوم به نانوی عربی به‌شدت متأثر از آمریکا هستند، براساس پیوندهای فرهنگی، دینی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و... که میان ایران با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس وجود دارد، حرکت جدیدی را برای تعامل دوستانه با این کشورها آغاز کنند و اجازه ندهند بسترها برای شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی و مورد حمایت آمریکا، بیش‌ازپیش در منطقه جنوب غرب آسیا فراهم شود. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ دیپلماسی فعال و تلاش برای رایزنی با دیگر بازیگران منطقه مانند روسیه، ترکیه، هند، ژاپن، چین و... که روابط سیاسی خوبی با ایران دارند، آن‌ها را به آسیب‌های احتمالی این ائتلاف حساس کند و از مخالفت‌های این کشورها در مسیر تلاش برای جلوگیری از شکل‌گیری چنین ائتلافی بهره‌مند شود.

منابع

۱. بوزان، باری، ۱۳۹۱، **مناطق و قدرت‌ها**، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ص ۵۴.
۲. جواد فتنج، سارا، ۱۳۸۴، **سوداهای ایالات‌متحده در طرح خاورمیانه بزرگ**، مجله راهبرد، سال ششم، شماره ۳۵، صفحه ۲۳.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۴. خدیری زاده، علی اکبر، ۱۳۸۴، **نیروی سوم اتا زونی، روابط ایران و آمریکا از دوره ناصری تا انقراض قاجار**، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال پنجم، شماره ۴۴، ص ۹.
۵. روشندل، جلیل، ۱۳۷۴، **امنیت ملی و نظام بین‌المللی**، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۱.
۶. کریمی پور، داوود، ۱۳۹۲، **بررسی نقش و پیامدهای حضور آمریکا در ایران از مشروطه تا تسخیر لانه جاسوسی**، پژوهشکده مطالعات آمریکا، تهران، ۵۴.
۷. محمدپور، مرتضی و همکاران، ۱۳۹۵، **شناسایی و تحلیل اثرات متقابل عوامل کلیدی و سنجش میزان پایداری منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری**، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، تهران، پاییز، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۵.
۸. منصوری مقدم، محمد، ۱۳۹۱، **سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران**، رساله دکتری به راهنمایی دکتر محمد فرهاد عطایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۲.
۹. مهدیان، حسین و همکاران، ۱۳۹۶، **تحلیل تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳۹۶، شماره ۴۶، ص ۲۱۸.
۱۰. بریلمایر، لیا، ۱۳۷۴، **هژمونی آمریکا: اخلاق سیاسی در قدرت برتر جهان**، انتشارات دانشگاه ییل، ISBN 0300060335.
۱۱. دیکسون، توماس و همکاران، ۱۳۹۳، **مطالعات تکمیلی شهر، شناسایی فناوری‌های مخرب و پایدار با استفاده از تکنیک‌های پیش‌بینی آینده**، مرکز آینده‌پژوهی و مطالعات اجتماعی، تهران.
۱۲. اکوویچ، استیون، ۱۳۸۲، **ایران و تهدیدات جدید در خلیج فارس و خاورمیانه**، فصلنامه گاردنر، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه ورمونت، سال پنجم، شماره ۴۸، صص ۶۵-۷۲.
۱۳. گریفینکل، آدام، ۱۳۹۴، **شکل معاصر ژئوپلیتیک در خاورمیانه**، فصلنامه مرکز مطالعات سیاست خارجی مؤسسه الزیور، تیر، ۵۲۷-۵۳۳.
۱۴. گلپی، کریستوفر، ۱۳۷۸، **اتحادیه‌های نظامی و ابزارهای کنترل آن**، انتشارات دانشگاه آکسفورد.
۱۵. جورج، جیم، ۱۳۷۲، **نئورئالیسم و جهان جدید**، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال پنجم، شماره ۲۲، صص ۱۹۷-۲۳۴.
۱۶. هانتز، شیرین، ۱۳۶۳، **روابط ایران و کشورهای عربی در خلیج فارس**، فصلنامه واشنگتن، سال سوم، شماره ۷، صص ۶۵-۷۷.
۱۷. کومکا، آلیس و همکاران، ۱۳۸۳، **چالش‌های پیش‌بینی و ارزیابی فناوری در توسعه استراتژی‌های صنعتی و سیاست‌گذاری**، فصلنامه مطالعات پیش‌بینی‌های فنی و تغییرات اجتماعی، سال هشتم، شماره ۱۶، صص ۵۷۲-۵۸۰.
۱۸. مایر، دیکسون و همکاران، ۱۳۷۹، **ساخت آینده در برنامه‌ریزی، نظرسنجی از نظریه‌ها و ابزار**، مجله برنامه‌ریزی آموزش و پژوهش، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۲-۶.
۱۹. ری، جیمز، ۱۳۷۷، **سیاست‌های جهانی**، وبسایت دانشگاه وندربیلت نیویورک.
۲۰. پایگاه خبری تحلیل هیل، ۱۳۹۶، **نقش و جایگاه اسرائیل در شکل‌گیری ناتوی عربی**، ۲۴ می.
۲۱. والتز، کنتس، ۱۳۶۵، **نظریه‌های سیاست‌های بین‌الملل**، نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل، انتشارات دانشگاه کلمبیا.
۲۲. ولفرز، آرنولد، ۱۳۴۲، **امنیت ملی یک نماد مبهم**، انتشارات دانشگاه بالتیمور.
23. Buzan B., and Waever, O., 2009, **Region and Powers**, Translate by Rahman Ghahramanpour, Tehran Institute for Strategic Studies, Tehran. (In Persian)
24. Javadi Fath, S., 2005, **US Profits in the Great Middle East**, Strategic Magazine, Vol. 6, No. 35, pp. 23 (In Persian)
25. Hafeznia, M. R., 2006, **Geopolitical Principles and Concepts**, Samt Publications, Tehran. (In Persian)
26. Khedrizedeh, A. A., 2006, **Atazoni Third Force, Iranian-American Relations from Nasiriyah to Qajar Extinction, Zamaneh: The Contemporary Iranian Thesaurus and Political History Month**, Vol. 5, No. 44. P. 9. (In Persian)
27. Roshandel, J., 1996, **National Security and International System**, Samt Publication, Tehran. (In Persian)
28. Karimipour, D., 2013, **Investigating the Role and Consequences of American Presence in Iran from Constitutional to Conquering the Spy Nest**, American Institute of Studies. (In Persian)

29. Mohammad Pour, M. et al., 2016, **Identifying and Analyzing the Interactions of Key Factors and Measuring Regional Sustainability with Foresight Approach**, Journal of Geography and Environmental Sustainability, Vol. 5 , No. 20, P. 5 (*In Persian*)
30. Mansouri Moghadam, M., 2012, **Saudi Foreign Policy Towards the Islamic Republic of Iran**, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran. (*In Persian*)
31. Mahdian, H., et al., 2017, **The Study of Geopolitical Resons on National Security of Iran In Nuclear Issue**, Geopolitics Quarterly, Vol. 13, No. 2, [In Persian]
32. Brilmayer, L., 1994, **American Hegemony**, New Haeven: Yale University Press, P. 14.
33. Dixon, T. 2014, **Urban Retrofitting: Identifying Disruptive and Sustaining Technologies Using Performative and Foresight Techniques**, Technological Forecasting and Social Change, 89, P. 353.
34. Ekovich, S., 2003, **Iran and New Threats in the Persian Gulf and Middle East**, Chapter in Hall Gardner, Ed., NATO and the European Union: New World, New Europe, New Threats, P72.
35. Garfinkle, A., 2015, **The Geopolitical Frame in the Contemporary Middle East**, Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, July 14, P. 533.
36. Gelpi, Ch., 1999, **Allance as Instruments of Intra Allied Control**, in Haftendorn, Keohane and Wallander, Op.Cit, P. 107.
37. George, J., 1993, **Of Incarceration and Closure: Neo-Realism and New/ Old World, Millennium**, Journal of International Studies, Vol. 6, No. 12, P. 202.
38. Hunter, S., 1984, **Arab, Iranian Relations and Stability in Persian Gulf**, Washington Quarterly, Vol. 7, No. 3, P. 77.
39. Kameoka, A., Yokoo, Y., and Kuwahara, T., 2004, **A Challenge of Integrating Technology Foresight and Assessment in Industrial Strategy Development and Policymaking**, Echnological Forecasting and Social Change, P. 580.
40. Myer, D., and Kitsuse, A., 2000, **Constructing the Future in Planning: A Survey of Theories and Tool**, Journal of Planning Education and Research, Vol. 19, No. 3, P. 2.
41. Ray, J., 1998, **Global Politics**, NewYork Vanderbilt University, P. 353.
42. The Hill Website, 2017, **An 'Arab NATO' Including Israel Can Exist if it Stays Quiet**, 24 May.
43. Waltz, K., 1979, **Theory of International Politics**, P. 105.
44. Wolfers A. 1962, **National Security an Ambigious Symbol**, Baltimore John Hopking University Press, P. 105.